



چرا در دعاوی قضایی «اقامتگاه» نقش مهمی دارد؟

در معاملات روزمره، برخی اوقات ممکن است با حکمی غیابی از سوی مراجع قضایی اعم از حقوقی یا کیفری و نیز مراجع ثبتی و یا ادارات دولتی و عمومی شامل برگه های تشخیص مالیاتی و یا عوارض شهرداری روبرو شویم که بلحاظ عدم حضور ما در مراحل دفاع، ممکن است حکمی به ضرر ما صادر شده باشد.

در معاملات روزمره، برخی اوقات ممکن است با حکمی غیابی از سوی مراجع قضایی اعم از حقوقی یا کیفری و نیز مراجع ثبتی و یا ادارات دولتی و عمومی شامل برگه های تشخیص مالیاتی و یا عوارض شهرداری روبرو شویم که بلحاظ عدم حضور ما در مراحل دفاع، ممکن است حکمی به ضرر ما صادر شده باشد. لیکن هنگام مراجعه خواهیم یافت که کلیه اوراق ابلاغیه ها به نشانی یکی از محل هایی ارسال شده که به هر جهت در قرارداد های قبلی موجود بوده و لذا چنانچه به موقع اقدام به اعلام تغییر آدرس اقامتگاه قانونی نکنیم، چه بسا با عواقب بعضاً زیانباری مانند مزایده اموال یا محکومیت به زندان مواجه شویم.

به گزارش «تابناک» قانونگذار در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی، اقامتگاه را تعریف کرده است:

«اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب می شود. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن ها خواهد بود.»
این ماده قانونی، برای اطلاق «اقامتگاه» به یک محل، دو شرط را عنوان کرده است:

۱- محل سکونت شخص باشد.

۲- مرکز مهم اداره امور او نیز باشد.

همچنین قانونگذار در این ماده، بعد از ذکر این دو شرط، ارجحیت را بیان کرده و آن رجحان و برتری مرکز اداره امور شخص بر محل سکونت او است. بدین معنا که اگر بین محل سکونت و اداره امور جمع حاصل نشد، محل اداره امور، اقامتگاه محسوب شود.

آنچه تا بخش نخست ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی بیان شده، در خصوص اقامتگاه شخص حقیقی است. اقامتگاه شخص حقوقی نیز در عبارت پایانی این ماده بیان شده که بر اساس آن، «اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن ها خواهد بود.»

تعریف ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی از اقامتگاه، در مواد ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ قانون مدنی تکمیل شده است. بر اساس ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی، «هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.»

همچنین ماده ۱۰۰۴ این قانون می گوید: «تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می آید؛ مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد.»

این تأکید بر شروط تحقق اقامتگاه و عدم امکان داشتن چند اقامتگاه، برای جلوگیری از سردرگمی مدعیان، مراجع قضایی و واحد ابلاغ و نیز ممانعت از سوءاستفاده شخص صاحب اقامتگاه است.

مرکز مهم امور

منظور از «مرکز مهم امور» محلی است که شخص در آنجا از حیث شغل، کسب، خدمت اداری، نظامی یا به دلیل علاقه ملکی اقامت دارد.

اقسام اقامتگاه

اقامتگاه را می توان به اقامتگاه اجباری، اختصاصی (انتخابی)، اختیاری، اداری شرکت (مرکز اصلی شرکت) و حقیقی تقسیم کرد.

۱- اقامتگاه اجباری: اقامتگاهی است که به طور استثناء و برخلاف اصل حاکمیت اراده، قانون به شخص یا اشخاصی معین تحمیل می کند؛ مانند اقامتگاه زن شوهردار که تابع اقامتگاه شوهر است و اقامتگاه مأمور دولت که عبارت از محلی است که وی در آنجا مأموریت ثابت دارد.

۲- اقامتگاه اختصاصی (انتخابی): اقامتگاهی است که طرفین معامله یا یکی از آن ها در ضمن عقد برای اجرای تعهدات ناشی از آن معامله یا ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار در خارج از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشند. به این اقامتگاه، اقامتگاه قراردادی نیز گفته می شود.

۳- اقامتگاه اختیاری: اقامتگاهی است که شخص برای مرکز مهم امور خود اختیار کند.

۴- اقامتگاه اداری شرکت (مرکز اصلی شرکت): اقامتگاه اداری شرکت همان مرکز اصلی شرکت بوده و عبارت از محلی است که ادارات مرکزی شرکت در آن محل بوده و هیئت رئیسه شرکت در آنجا سکونت دارند و دستورات شرکت در آنجا صادر و گزارش های اجرای آن دستورات در آنجا مستقر و گردآوری می شود همچنین جلسات هیئت مدیره و مجامع شرکت در این اقامتگاه تشکیل می شود.

۵- اقامتگاه حقیقی: اقامتگاه حقیقی در مقابل اقامتگاه انتخابی بوده و آن اقامتگاهی است که بر اساس حاکمیت اراده باشد و ناشی از قرارداد نبوده و در انتخاب آن توافقی صورت نگرفته است.

تعدد اقامتگاه

تعدد اقامتگاه حالت حقوقی شخصی است که بیش از یک اقامتگاه حقیقی داشته باشد. ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی بیان می کند که: «هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.» و ماده ۱۰۱۰ همین قانون، این اجازه را به طرفین معامله می دهد که برای اجرای تعهدات مربوط به آن قرارداد، محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کند.

ماده ۱۰۱۰ می گوید: «اگر ضمن معامله یا قراردادی، طرفین معامله یا یکی از آن ها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد، نسبت به دعاوی راجع به آن معامله محلی که انتخاب شده است، اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی، احضار و اخطار، محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.»

به نظر می رسد که بین این دو ماده قانونی، تعارض وجود داشته باشد، اما اگر منظور از واحد بودن اقامتگاه در ماده ۱۰۰۳ را، اقامتگاه حقیقی محسوب کنیم، این تعارض برداشته می شود. بدین ترتیب هر شخص نمی تواند بیش از یک اقامتگاه حقیقی داشته باشد، اما به واسطه اجرای تعهدات یک قرارداد می توان چند اقامتگاه انتخابی داشت.

انواع اقامتگاه به لحاظ شخص

به لحاظ شخص می توان اقامتگاه را به اقامتگاه اشخاص حقیقی و اقامتگاه اشخاص حقوقی تقسیم کرد.

اقامتگاه اشخاص حقیقی: اقامتگاه اشخاص حقیقی شامل اقامتگاه زن شوهردار، اقامتگاه کارکنان دولت، اقامتگاه افراد نظامی، اقامتگاه صغار و مجبوران، اقامتگاه کارگران یا خدامان، اقامتگاه تاجر و فرد دارای کار آزاد و اقامتگاه صاحبان اموال غیرمنقول است.

۱- اقامتگاه زن شوهردار: بر اساس ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی، «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است. معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود یا با اجازه محکمه مسکن علیحده (جداگانه) اختیار کرده است، می تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.» اصل در اقامتگاه زن، تبعیت از شوهر است بنابراین اقامتگاه زن از جمله اقامتگاه های اجباری است، اما این ماده قانونی سه استثنا بر این قاعده مشخص کرده است:

الف. – وقتی شوهر اقامتگاه معلومی ندارد: در چنین حالتی قاعده تبعیت زن از شوهر نمی تواند اعمال شود؛ لذا به موجب قانون زن می تواند برای خود اقامتگاهی انتخاب کند.

ب- توافق زن و شوهر در داشتن اقامتگاه مستقل از شوهر: اگر زن و شوهر توافق کنند و شوهر رضایت دهد که زن اقامتگاه مستقلی داشته باشد، این اقامتگاه، اقامتگاه زن شوهردار خواهد بود. این جواز قانونی نشان می دهد که قاعده تبعیت زن از شوهر در تعیین اقامتگاه در ماده ۱۰۰۵، قانون آمره ای نیست و می توان در تعیین اقامتگاه بین دو طرف توافق صورت گیرد.

ج- اقامتگاه مجزا از شوهر به حکم محکمه: به موجب ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می تواند مسکن علی حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.»

در این صورت زن به حکم قضایی می تواند برای خود اقامتگاه مستقلی انتخاب کند که این مورد نیز استثنایی بر قاعده تبعیت زن از شوهر در گزینش اقامتگاه است.

۲- اقامتگاه کارکنان دولت: بر اساس ماده ۱۰۰۷ قانون مدنی، «اقامتگاه مأموران دولتی، محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.» بدین ترتیب اقامتگاه مأموران دولتی را قانون تعیین کرده و لذا از جمله اقامتگاه های اجباری است.

۳- اقامتگاه افراد نظامی: بر اساس ماده ۱۰۰۸ قانون مدنی، «اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو (پادگان) هستند، محل ساخلوی آن ها است.»

۴- اقامتگاه صغار و محجوران: ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی نیز می گوید: «اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه، ولی یا قیم آن ها است.»

اقامتگاه صغار و محجوران را قانون مشخص کرده است. صغیر و محجور اشخاصی هستند که اهلیت استیفا (تصرف در اموال خود) را ندارند و تحت سرپرستی دیگری (ولی یا قیم) قرار دارند.

۵- اقامتگاه کارگران یا خادمان: بر اساس ماده ۱۰۰۹ قانون مدنی، «اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می کنند، در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند، اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آن ها خواهد بود.»

۶- اقامتگاه تاجر و فرد دارای کار آزاد: فردی که دارای شغل آزاد است، (تاجر و...) محل معاملات و اموالش اقامتگاه او محسوب می شود؛ نه محل سکونتش.

۷- اقامتگاه صاحبان اموال غیرمنقول: اقامتگاه این اشخاص، اصلی ترین محل استقرار مالک که منافع و فعالیتهايش در آنجا قرار دارد و محل وقوع اموال غیرمنقول او بوده، است.

ب- اقامتگاه اشخاص حقوقی: عبارت ذیل ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی می گوید: «اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن ها خواهد بود.»

ماده ۵۹۰ قانون تجارت نیز تصریح دارد که «اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.»

تغییر اقامتگاه

بر اساس ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی، «تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می آید؛ مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد.»

صرف سکونت در محلی، آن محل را به اقامتگاه تبدیل نمی کند؛ بلکه سکونت به علاوه مرکز اداره امور قرار دادن آن محل است که به محل، عنوان اقامتگاه می دهد.

پیامد های حقوقی اقامتگاه

اثر اساسی اقامتگاه در تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوی است؛ زیرا لازمه اقامه دعوی اطلاع از اقامتگاه خوانده است.

۱- به موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد. مفهوم این ماده آن است که دادگاهی صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارد که در حوزه قضایی اقامتگاه خوانده واقع شده باشد.

۲- حسب ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی راجع به ترکه متوفی اگرچه خواسته، دین یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده است، در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعاوی یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است. در این ماده به دو نکته اشاره شده است:

باوجوداینکه متوفی خوانده نیست، اما اقامتگاه او تعیین کننده دادگاه رسیدگی کننده به دعاوی راجع به ترکه است.

اقامتگاه همان محل سکونت نیست؛ لذا این ماده اشعار می دارد که اگر اقامتگاه متوفی معلوم نبود، رسیدگی در صلاحیت محل سکونت متوفی است.

۳- ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد؛ دعاوی راجع به متوقف یا ورشکسته باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

۴- به موجب ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت های بازرگانی که مرکز اصلی آن ها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصله بین شرکا و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود.

در توضیح باید گفت که مرکز اصلی شرکت، همان اقامتگاه شخص حقوقی است.

تعیین مهلت تجدیدنظرخواهی

مهلت تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه های بدوی برای کسانی که در ایران مقیم هستند (اقامتگاه آنان ایران است) ۲۰ روز و برای اشخاصی که مقیم خارج از ایران هستند، دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است.